اشکال به مناط بینه در بیان مرحوم حکیم

در مانحن فیه طرق ثبوت هلال است؛ اگر قبول داشته باشیم که طرق این ثبوت هلال، برای مدیریت امتثال است، مناط هم روشن میشود. فعلاً کاری با چشم عادی ندارم، فعلاً میخواهم بگویم که آیا این ادله در مقام حکم ثبوتی است؟ یا اعم از این است که شما قبول بکنید. حتی ما بنا بر رؤیت متعارف میگذاریم. ولی وقتی رؤیت متعارف گفته میشود دارد به ما احراز را داد میدهد و مدیریت میکند. ولو به یک طریقی موضوعیت بدهد. حالا آن بحثش جای خودش است. یعنی به یک طریقی موضوعیت میدهد. چرا؟ برای نظم و عدم تشتت به آن موضوعیت میدهد. بنابراین ما از آن فارغ هستیم. فعلاً میخواهد مدیریت امتثال بکند. ولو به یک طریق موضوعیت بدهد.

اما منظور نظر این روایات چیست؟ الآن دیدی که مرحوم آقای حکیم فرمودند بینه شرعیه از چیزهایی است که شارع حتماً در مدیریت امتثال امر صوم، به آن عنایت کرده است. فرمودند دو روایت هست که معارض هستند. تحلیل نظر ایشان از این دو روایت چه بود؟ این بود که در این دو روایت بینهای است که اطمینان نوعی به خطا داریم. پس این مناط شد. آن جایی بینه حجیت دارد که اطمینان نوعی به خطا نباشد. یا طبق عبارت حاشیه ایشان، عدم اطمینان به صدق، نباشد. اطمینان به صدق باشد.

صاحب حدائق هم فرمایشی داشتند. صاحب حدائق مثل محقق، اصلاً به این روایات باها ندادند. فرمودند «ساقطٌ»، تعبیری محکمی بود که محقق داشتند. گفتند خلاف عمل کل مسلمین است. اما ایشان میفرمایند بینه باید در شرائطی باشد که اطمینان به صدقش باشد یا عدم اطمینان به خطای آن نباشد.

25:12

چیزی که عرض من است، این است: شما مناط را سر چه بردید؟ سر کاشفیت بینه بردید. بینه، خاطی باشد یا نباشد. این حیث مهم است. یعنی شما این دو روایت را به سطحی میبردی که در کل صاحبه بینه در سراسر فقه دخالت میکند. کاری هم با صوم ندارد. میگویی اصلاً بینه به این صورت است؛ یعنی باید اطمینان به خطا نوعی در آن نباشد. پس ربطی هم به صوم ندارد و همه جایی است. این هم یکی از مصادیق آن است. اما آیا به این صورت است؟ آیا بینه در سراسر فقه با استیعابی که دارد، به این صورت است؟ صاحب جواهر فرمودند «فی جمیع الموضوعات» بینه آمده است. در احکام، شارع اخف گرفته است. شما در خبر عدل واحد، میگویی عدل واحد. گمان نمیکنم در تاریخ اصول کسی گفته باشد خبر واحد درجایی که حکم شرعی را بیان میکند باید دو راوی گفته باشند. شما جایی شنیدهاید؟! همه میگویند خبر عدل واحد. اصلاً مشکلی ندارند که در بیان احکام و شبهات حکمیه و روایاتی که احکام شرعی را میگویند، بگویند دو تا لازم است. این خودش سؤال مهمی بود که جلوتر بحث شد. چطور است که شارع در موضوعات قید زده که دو نفر لازم است؟ اما در بیان خود احکام این قید را نزده است؟ میگویی حتی اگر یک نفر آمد و گفت امام صادق علیهالسلام فرمودند حکم شرعی این است، کافی است. بحثهای خوبی در دلیل آن بود. فعلاً صاحب جواهر فرمودند در جمیع الموضوعات بیّنه مطرح است. در جمیع موضوعات شرعی که اهم از رؤیت هلال است،

جاری است. مثل قتل که شارع فرموده با دو نفر ثابت می‌شود.

بازبینی #1
ایجاد شده 16 مه 2026 12:24:47 توسط ... .
به روزرسانی شده 16 مه 2026 12:25:09 توسط ... .